

مقصد ثانی: احوال مدالیل الفاظ مستعمله در لسان شارع

همچنانکه در گذشته بیان گردید، در علم اصول از قواعدی بحث می شود که بدون واسطه یا با واسطه به عنوان کبرای استدلال در جهت استنباط احکام شرعی قرار می گیرند. این قواعد یا مربوط به مدلول الفاظی است که شارع مقدس در مقام ابلاغ احکام شرعی به کار گرفته است، یا مربوط به افعال و تقاریری است که از شارع مقدس در مقام ابلاغ وظائف شرعیّه رسیده است یا مربوط به احوال و عوارض مدالیل این الفاظ، افعال و تقاریر است و یا مربوط به اعتبار طرق و مدارکی است که این الفاظ، افعال و تقاریر، از آن طرق به ما رسیده است.

تحقیق این قواعد و روشن شدن تمام زوایای بحث، مستدعی آن است که بعد از بیان مباحث مقدماتی مانند تعریف، موضوع و غرض از علم اصول، هر یک از این زوایا در مقصد مستقلّی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به همین جهت می توان مباحث علم اصول را در یک نگاه کلی ذیل این مقاصد، پی گیری نمود:

مقصد اول: بررسی مدالیل الفاظ مفردة مستعمله در لسان شارع.

مقصد دوم: بررسی احوال مدالیل الفاظ مفردة مستعمله در لسان شارع مانند مقدّمه واجب.

مقصد سوم: بررسی مدالیل الفاظ مرکّبه و جملات مستعمله در لسان شارع مانند بحث از عموم و اطلاق و بحث از مفاهیم.

مقصد چهارم: بررسی احوال مدالیل الفاظ مرکّبه و جملات مستعمله در لسان شارع مانند مسأله سرایت و عدم سرایت اجمال مخصّص به عامّ.

مقصد پنجم: بررسی مدالیل افعال و تقاریر شارع.

مقصد ششم: بررسی احوال مدالیل افعال و تقاریر شارع.

مقصد هفتم: مسأله حجّیت قطع.

مقصد هشتم: مسأله حجّیت ظنون.

مقصد نهم: احوال و عوارض مربوط به ظنون معتبره مانند مسأله تعادل و ترجیح.

مقصد دهم: مباحث اصول عملیه.

تا کنون پس از بیان مباحث مقدماتی مانند تعریف، موضوع و غرض از علم اصول، در مقصد اوّل به تعیین قواعد اصولی جاری در جهت تشخیص مدالیل الفاظ مفردة مستعمله در لسان شارع پرداخته شد و این قواعد در هشت مبحث یعنی مسأله وضع، حقیقت شرعیّه، صحیح و اعمّ، اشتراک، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، مشتقّ، اوامر و نواهی به صورت مفصلّ بیان گردیدند، در ادامه به طرح مقصد دوم یعنی احوال مدالیل الفاظ مفردة مستعمله در لسان شارع در قالب مباحث مختلف مانند مقدّمه واجب و مسأله ضدا خواهیم پرداخت.

مبحث اول: مقدمه واجب

تحقیق در این مسأله و روشن شدن تمام زوایای بحث نیازمند پی گیری آن ذیل چند مطلب می باشد.

مطلب اول: پیشینه تاریخی

بحث از مقدمه واجب از جمله مسائلی است که پیشینه ای کهن داشته و از زمان تدوین علم اصول، در بین قدماء و متأخرین به صورت جدی مطرح بوده است. شیخ مفید «رحمة الله علیه» در تذکره^۱، مرحوم سید مرتضی در ذریعة^۲، شیخ طوسی «رحمة الله علیه» در عدّة^۳، مرحوم علامه در مبادی^۴ و تمام متأخرین از امامیه، به این بحث پرداخته اند، همچنانکه بسیاری از قدماء و متأخرین اهل سنت، مانند ابو الحسین بصری در المعتمد^۵، ابو اسحاق شیرازی در اللمع^۶، سبکی در الإبهاج^۷، غزالی در المنخول^۸ این بحث را مطرح نموده اند. البته قدما و بعضی از متأخرین از این بحث به عنوان مقدمه واجب تعبیر نکرده اند و شاید بتوان اشخاصی مانند سبکی در الابهاج و صاحب معالم را جزو اولین کسانی دانست که از این بحث به عنوان مقدمه واجب یاد نموده اند.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

۱- مختصر التذکرة باصول الفقه، صفحه ۳۱

۲- الذریعة الى اصول الشریعة، جلد ۱، صفحه ۸۳

۳- العدّة فی اصول الفقه، جلد ۱، صفحه ۱۸۶

۴- مبادی الوصول الى علم الاصول، صفحه ۱۱۱

۵- المعتمد، جلد ۱، صفحه ۹۳

۶- اللمع فی اصول الفقه، صفحه ۷۵

۷- الابهاج فی شرح المنهاج علی منهاج الوصول، جلد ۱، صفحه ۱۰۳

۸- المنخول، صفحه ۱۸۴